



## نگاهی دوباره به انقلاب اسلامی ایران

اگر از مردمان عادی قاره‌های دوردست درباره ایران پرسیم، عده اندکی از آنان به خاطر می‌آورند که ایران سرزمین مردم آریایی است و ایرانیان بخشی از نژاد هندواروپایی هستند. زبان آن‌ها فارسی، یکی از شاخه‌های زبان‌های آسیای غربی، است. اگر مخاطب شما تحصیلکرده باشد، در پاسخ می‌گوید که ایران کشوری است در منطقه خاورمیانه و تا آنجا که می‌دانیم همیشه نامش در تاریخ بوده و زادگاه تمدنی هفت هزارساله است. اگر از نخبگان دیگر کشورها پرسید، خواهند گفت که ایران کشوری است با بزرگ‌ترین ذخائر ثابت شده گاز طبیعی و دومین ذخائر ثابت شده نفت خام متعارف جهان. اگر از یک سیاستمدار پرسید، پاسخ خواهد داد ایران کشوری است که در مهم‌ترین موضع ژئواستراتژیک جهان واقع است، و علاوه بر دسترسی به آب‌های آزاد با پانزده کشور همسایه است. و سرانجام، اگر از یک نفر آشنا به تجارت جهانی پرسید، خواهد گفت ایران یکی از بالاترین شاخص‌های توسعه پایدار از لحاظ منابع انسانی را دارد.

واقعیت این است که ایران کشوری است با حدود ۱ درصد جمعیت جهان، ۷ درصد منابع طبیعی جهان، ۱۱ درصد ذخائر ثابت شده نفت جهانی، و ۱۷ درصد ذخائر ثابت شده جهانی گاز، هفدهمین کشور از لحاظ تولید ناخالص داخلی، و پانزدهمین کشور با شاخص توسعه انسانی. این کشور از نظر موقعیت ژئوپلیتیک وضعیت برّی و بحری منحصر به فردی دارد.



کمر کسی از این منظر به ایران نگاه می‌کند: در جهان تنها پنج انقلاب اجتماعی رخ داده است. انقلاب کبیر و یا اجتماعی به معنای تغییر در همه شئون جامعه است. ایران محل وقوع آخرین انقلاب اجتماعی، جزو پنج کشوری است که در آن یک انقلاب بزرگ به وقوع پیوسته است. در تاریخ بشر، تنها انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹ م)، انقلاب بلشویکی روسیه (۱۹۱۷ م)، انقلاب دهقانی چین (۱۹۴۹ م)، انقلاب شهری کوبا (۱۹۵۹ م) و انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹ م)، به‌عنوان انقلاب‌های اجتماعی و یا فراگیر شناخته شده‌اند.

تأثیر انقلاب‌های بزرگ بر زندگی روزمره بشر، انکار نشدنی است. پس از انقلاب فرانسه، در ساختار اجتماعی، روشنفکران و حکومتی این کشور، که پیش از آن ساختاری سلطنتی با امتیازات فئودالی برای طبقه اشراف بود، تغییرات بنیادی رخ داد؛ در آغاز، به‌صورت امپراتوری دیکتاتوری نظامی، و سپس در شکل‌های مبتنی بر اصول امپریالیسم، جدایی دین از سیاست، سرمایه‌داری، رشد پرده‌داری، عصر روشنگری، ملی‌گرایی دموکراتیک، نظامی‌گری، حقوق شهروندی، و مکاتب هنری جدید.

انقلاب بلشویکی روسیه بخشی از تاریخ معاصر است و هیچ عرصه‌ای از جهان مدرن نیست که از آن تأثیر نپذیرفته باشد. این انقلاب نگرانی از خیزش کارگران در نظام‌های سرمایه‌داری را دوچندان کرد؛ در سطح کلان ژئوپلیتیک اثرگذار بود؛ در الگوهای وفاداری و رقابت جهانی و نیز در دولت‌هایی که نظام را تشکیل می‌دهند تأثیر آشکار از انقلاب روسیه دیده می‌شود. به‌علاوه، با فاصله‌ای زیاد از عرصه حکومت‌ها، هنرمندان و روشنفکران روسی از این انقلاب جدایی ناپذیرند.

انقلاب دهقانی چین در پی از هم گسیختگی گروه‌ها و منافع امرای محلی با هدف نظام جمهوری مقتدر در چین آغاز شد. نیروهای انقلابی به رهبری مائو جامعه‌ای گسترده و پیچیده متشکل از نیروها و افکار متنوع را تحویل گرفتند. ایدئولوژی مائوئیستی معتقد به جامعه‌ای بی‌طبقه، متکی بر حمایت توده‌ای و مخالف سرمایه‌داری خصوصی، آرمان‌های خویش را در داخل بر نقش و حضور و حمایت توده‌ها در خارج بر مبارزه با نظام‌های سرمایه‌داری و جذب ملل مستضعف و محروم برای مقابله با امپریالیسم استوار کرد.

انقلاب کوبا به رهبری فیدل کاسترو یکی از بزرگ‌ترین و برجسته‌ترین تجارب انقلابی جهان بود که اگر توطئه‌های بی‌وقفه امپریالیسم امریکا نبود، امکان موفقیت بیشتری داشت.

وقوع انقلاب اسلامی در ایران از دید بیشتر ناظران بیرونی، حکم تحولی مهم و بنیادین داشت که بالقوه توانایی ایجاد تغییرات اساسی در سطح نظام بین‌الملل را دارد. بنابراین، اندیشمندان سرشناس بسیاری، از همان آغاز، درصدد بررسی و تحلیل این انقلاب و ابعاد آن برآمدند. کمتر می‌توان در تاریخ بشر، یک حکومت سامان‌یافته با قبول عرف بین‌المللی و تکیه قوی بر ارزش‌های دینی و بومی با نگرش‌های دمکراتیک یافت. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ (فوریه ۱۹۷۹ م) به‌عنوان انقلابی با ویژگی‌های خاص و منحصر به فرد و



به ویژه انقلابی مستقل در فضای وابستگی های دو قطبی دوران جنگ سرد در همه جهان توجه اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی سیاسی و مسائل انقلاب‌ها را به خود جلب کرد.

در بحث بازتاب‌های جهانی انقلاب اسلامی ایران، و به طور خاص، توجه اندیشمندان سرشناس جهان به این انقلاب، یکی از موضوعاتی که بسیار جای توجه و تأمل دارد، گستردگی تحلیل‌گران این انقلاب است. نظریه پردازان وابسته به طیف‌های گوناگون فکری، از ساختارگرا تا پسا ساختارگرا و حوزه‌های علوم انسانی، از فلسفه تا جامعه‌شناسی، هر یک از نگاه خود به این انقلاب پرداخته و در پی تحلیل آن بوده‌اند. نظریه پردازان کوشیده‌اند ضمن تحلیل زمینه‌ها و عوامل کارآمد بر وقوع انقلاب اسلامی، به بررسی این موضوع بپردازند که این انقلاب، تا چه اندازه با دیدگاه‌های موجود در نظریه‌های مرسوم انقلاب مطابقت داشته و تا چه میزان دارای جنبه‌های منحصر به فرد و متمایز است.

انقلاب اسلامی ایران بی‌گمان اصیل‌ترین انقلاب به معنای واقعی کلمه در سطح جهانی است و عجیب آنکه به دلیل کم‌کاری نخبگان ایرانی در این سال‌ها، کمتر برای جهانیان شناخته شده است. اما نظریه‌پردازان علوم اجتماعی بی‌کار ننشسته‌اند و بعد از تجربه انقلاب ایران تا کنون پنج مکتب فکری در مورد توجیه نظری انقلاب کشف کرده‌اند. این مکاتب عبارت‌اند از:

- مکتب فکری کلاسیک؛
- مکتب فکری فرهنگی؛
- مکتب فکری ساختارگرا؛
- مکتب فرهنگی جهان سوم؛
- مکتب فکری همه‌جانبه.

اکنون در آستانه چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی در ایران، به نظر می‌رسد با فاصله گرفتن از این تحول عمیق اجتماعی، می‌توان در فهم نظریه‌ها، روندها، حوادث، تصمیم‌گیری‌ها، دستاوردها، فعالیت‌های جدید داشت و برای آینده این انقلاب نیز سناریوهایی طراحی کرد. در چهل سال اخیر، جمع فعالیت‌های مردم ایران، برآیندی قابل توجه داشته است. دستاوردهای ایرانیان در این زمینه می‌تواند جمع‌آوری و دسته‌بندی شود. هر چند ممکن است برخی از این دستاوردها در طول زمان برای هر حکومتی به دست آید، اما اغلب آن‌ها بدون در نظر گرفتن عنصر «زمان» - از دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران است. منظور آن است که اگر مثلاً، در دوره پهلوی تعداد روستاییان بهره‌مند از برق اندک بود، بدیهی است که اگر عنصر «زمان» را در نظر بگیریم، می‌توان گفت که اگر آن رژیم بر سر کار بود در سال‌های بعد می‌توانست آمار برق‌رسانی به روستاها را افزایش دهد. اما بی‌گمان اجرای پروژه‌هایی مانند شبکه لوله‌کشی گاز از دستاوردهای انقلاب اسلامی است.

قصد داریم در شماره‌های آینده مجله مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی به انقلاب اسلامی و مطالعات مربوط به آن توجه ویژه‌ای کنیم. از این رو، از مقالات و گزارش‌هایی که



به این پرسش‌ها پردازند، استقبال می‌کنیم:

- آیا انقلاب اسلامی یک انقلاب فرهنگی بود؟
- زمینه‌های پیدایی انقلاب اسلامی چه بود؟
- جمهوری اسلامی ایران چه دستاوردهایی برای ملت ایران داشته است؟
- آیا انقلاب اسلامی ایران به صورت کلی و در تحلیل نهایی موفق بوده است یا نه؟
- آینده ایران چگونه خواهد بود؟
- سیاست‌گذاری‌های کلی و جزئی در دوران پس از انقلاب چه روش‌ها، مدل‌ها، رویه‌ها، و عملکردهایی داشته است؟
- قوانین، مقررات، ضوابط، مقررات‌زدایی و کم کردن موانع اداری در هر بخش از دولت چه سرنوشتی داشته است؟
- بخش‌های اقتصادی، انرژی، محیط‌زیست و در مجموع، توسعه ایران در چهل سال اخیر به کجا رسیده است؟
- پاسخگویی به تمام این پرسش‌ها و پرسش‌های دیگری که در ذهن نخبگان و اندیشمندان وجود دارد، نیاز به ارزیابی عمیق گذشته و شناخت دقیق شرایط امروز جهان و نگاه دقیق و علمی به آینده انقلاب دارد که با استفاده از دیدگاه‌های صاحب‌نظران و دلسوزان میسر خواهد شد.

عباس ملکی